

ادامه از صفحه ۴

اصلاح ضروری بودجه‌ریزی

درهرصورت هرچند ضعف یا فقدان نمایندگان رأی‌دهندگان در فرایند بودجه‌ریزی را دولت‌ها با اعطای یارانه‌ها و پرداخت‌های انتقالی ممکن است ترمیم کنند، به گفته نوت ویکسل: «اقتصاددان سوندی، «این بی‌عدالتی محض است اگر فرد را مجبور به تحمل بخشی از بار هزینه‌های فعالیتی کنیم که منافع او را افزون نمی‌کند یا حتی ممکن است با منافع او قاطعانه در تضاد باشد». به این گفته می‌توان اضافه کرد که منابع بودجه باید از درآمد تلاش و کوشش زندگان جامعه و حقوق مالکیت آنها به صورت توافقی تأمین و برداشت شود.

در نظام تدبیر کشور، گروه سیاسی حاکم یعنی شکل‌دهندگان هزینه‌ها، ازآنجاکه مأموریتی این‌جهانی برای خود قائل نیستند، در چارچوب نظریه انتخاب عمومی نمی‌توان این انگیزه را تحلیل کرد. یوکانن می‌گوید «انتخاب یا اقدام افراد در بازار، بیشینه‌ساز ارزش‌های آنهاست بدون الزام به دخالت‌دادن یک معیار ارزیابی خارج از وجود خود آن افراد». او می‌گوید چنین برداشتی از «بیشینه‌سازی ارزش» را نمی‌توان از بازار به قلمرو سیاست تعمیم داد؛ زیرا آن ساختار سازگار باانگیزه که در بازار وجود دارد، در سیاست تعبیه نشده است. به عبارتی دیگر، همتایی سیاسی برای دست زارمنی آدم اسमित وجود ندارد. او در نهایت می‌گوید «قوه مجریه و مقننه، هیچ‌کدام در حقیقت آن چیزی که تئوری حاکم القا می‌کند، نیستند. هیچ‌کدام از اینها آن ارگان‌های خالص اجتماعی که به چیزی جز ارتقای سعادت عمومی نیندیشند، نیستند و اعضای مجالس نمایندگان در اکثر موارد همان اندازه به رفاه عمومی علاقه‌مندند که مولکلین و حوزه‌های انتخابی آنها – نه بیشتر و نه کمتر».

بوروکرات‌ها که هزینه‌کنندگان بودجه در نظام تدبیر کشورند که بار اصلی اجرای فعالیت‌های جاری و طرح‌های عمرانی را به عهده دارند و تنها سطح بالای این گروه، در سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های بودجه احتمالاً تأثیرگذارند، آنچه در این سطح مشهود است، گرایش شدید بخشی و بخشی‌نگری آنهاست که توسعه متوازن منطقه‌ای و حوزه‌های موضوعی و غیربخشی مانند فقرزدایی را در دست‌خوش غفلت و کم‌توجهی کرده است. گروه‌های فشار یا همسود، یعنی کسانی که در تلاش برای جهت‌دادن به هزینه‌ها برای تأمین منافع خود هستند، در ایران نیز همانند همه جوامع دیگر همواره کوشش می‌کنند در هر دو سطح پایین و بالای هزینه‌ها تأثیرگذار باشند. سازوکار اعمال این تأثیرها پیچیده‌تر از آن است که این مختصر قادر به تحلیل یا حتی ترسیم ساده آن باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گستره وظایفی که طبق قانون برعهده دولت گذاشته شده است و همچنین وظایفی که براساس ساختار حاکمیت سیاسی کشور از دولت انتظار می‌رود، نامحدود و بسیار غیرشفاف است و بر پایه آن می‌توان هر نوع اقدامی را جزء وظایف مدیریت دولتی طبقه‌بندی کرد. انعکاس این گستره بی‌کران در بودجه‌ریزی کشور نمایان می‌شود. به علت محدودیت منابع بودجه‌ای، غالباً بعضی از وظایف دولت همراه با کمبود اعتبار و کسری بودجه روبه‌رو می‌شوند و بعضی از مأموریت‌های دولت نیز که طبق قوانین و مقررات یا در برنامه‌های پنج‌ساله تکلیفی برای دولت محسوب می‌شوند، مصداق «مأموریت‌ها و اختیارات بدون بودجه» را پیدا می‌کنند که به‌هرحال نشان از ضعف نظام تدبیر بودجه‌ریزی کشور دارد.

ارائه نقطه‌نظرات تعدادی از صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران کشور، می‌تواند به مشکلات بودجه‌ریزی در نظام تدبیر کشور، روش‌نمایی بیشتری ببخشد.

۱- دکتر محمد خضری^۱ پژوهشگر اندیشمند و صاحب‌نظر می‌گوید: «شاخص‌ناپذیری و کرانمندنیودن هدف‌ها و مأموریت‌های متعددی که بر دوش دولت قرار دارند، می‌تواند به نوع برنامه و گزینه بودجه‌ای را توجیه‌پذیر کند. گسترده‌گی بی‌کران هدف‌ها و مأموریت‌های دولت، هم ناشی از قانون اساسی و هم نتیجه ساختار سیاسی شکل‌گرفته در این سه دهه است».

۲- دکتر محمد لاریجانی^۲: «ما بعد از انقلاب به نوعی مملکت‌داری عادت کردیم که مملکت‌داری کارپردازانه است. مسائل و مشکلات پیش می‌آید و ما درصدد حل مشکلات و مسائل برمی‌آییم و در واقع به برنامه‌ریزی در کشور ما توجه نشده است اینکه گفته می‌شود برنامه در کشور ما یک جوک است، یک حادثه اتفاقی نیست؛ چون در واقع دیده می‌شود اعتقاد چندانی به برنامه وجود ندارد؛ مثلاً وقتی یک برنامه نوشته می‌شود سال اول که بودجه می‌آید آن‌قدر انحراف وجود دارد که برنامه از مسیر منحرف می‌شود».

۳- دکتر فرشاد مومنی^۳: از اولین بودجه‌ای که بعد از انقلاب مشروطیت ریخته شده تا بودجه سال ۱۳۸۷ یعنی یک دوره صدساله، همواره اهتمام به رفع محرومیت از گروه‌های درآمدی مردم و مناطق محروم در دستور کار بوده و برای آن بخش‌های قابل‌توجهی از منابع مادی و انسانی دولت و جامع درگیر بوده ولی در کل این دوره شاید حتی یک منطقه محروم به منطقه غیرمحروم تبدیل نشده است».

۴- رئیس دانشکده مدیریت دانشگاه تهران: «در دوره ۱۵ میلیون فرایند وجود دارد که تدبیر خوب باید به آنها بپردازد».

ادامه در صفحه ۱۳

politics@sharghdaily.ir

شرق: واکنش‌ها به سخنان موسوی‌خوئینی همچنان ادامه دارد. علی جنتی فرزند احمد جنتی و وزیر سابق ارشاد هم دیروز در گفت‌وگویی با دیده‌بان ایران به سخنان خوئینی درباره هاشمی، مصطفی چمران و امام موسی صدر واکنش نشان داده است.

بخش‌هایی از اظهارات او را می‌خوانید:

■ با توجه به شناختی که بنده از امام موسی صدر، اقدام چمران و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی داشتم، بخش قابل‌توجهی از این مصاحبه را دور از واقعیت می‌دانم.

■ یک نکته حائز اهمیت در این مصاحبه این است که آقای خوئینی اظهار داشته‌اند که مرحوم هاشمی‌رفسنجانی اساساً سفر به خارج از کشور برای مبارزه را درست و منطقی نمی‌دانستند و معتقد بودند که مبارزه اصلی و واقعی همین‌جاست. به نظر بنده این موضوع کاملاً خلاف واقع است. در دوره‌ای که من در ایران شدیداً تحت تعقیب ساواک بودم، ایشان شناسنامه‌ای برای من تهیه کردند که در آن سال‌ها چندباری که توسط نیروهای امنیتی گرفتار شدم توانستم نجات پیدا کنم.
اواخر سال ۵۳ م با مرحوم آیت‌الله هاشمی مشورت کردم و ایشان تأکید داشتند که من به خارج از کشور بروم

زیرا کسانی که همانند من مشغول فعالیت سیاسی و مبارزاتی بودند، در صورت دستگیری به زندانی‌های طولانی محکوم می‌شدند لذا ایشان همواره به من و امثال من توصیه می‌کردند که برای ادامه فعالیت ضد طاغوت از کشور خارج شویم تا به مبارزات خود ادامه دهیم.

■ هم‌راه مرحوم هاشمی‌رفسنجانی به دیدن امام موسی صدر رفتم و ایشان به شدت مورد استقبال امام موسی صدر قرار گرفت و طی چند روز که در لبنان بودند با شهید چمران چند بار ملاقات کردند و با همدیگر به شهر صور در جنوب لبنان رفتم و ایشان از هنرستان صنعتی و مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای بازدید کردند.

■ درخصوص این ادعا که شهید چمران با انقلاب همراهی نداشت، حرف عجیبی زده شده است. شهید چمران در سال‌های ابتدای انقلاب و در آن شرایط سخت مسئولیت وزارت جنگ را قبول کرد. رابطه او با امام (ره) همیشه توأم با احترام متقابل بود. با توجه به اقدامات مؤثری که شهید چمران در جنگ ایران و عراق داشتند، بی‌انصافی است که بخواهیم در مورد رابطه ایشان با انقلاب و امام این‌گونه قضاوت کنیم. در لبنان هم ایشان کارهای

سیاست

واکنش علی جنتی به گفته‌های موسوی خوئینی:

امام به امام موسی صدر پیام داد که با مردم مثل مصدق باشد

بزرگی انجام داد هرچند به اعمال و رفتار برخی از فلسطینیان بسیار منتقد بود. افرادی از این گروه در جنوب لبنان مستقر بودند که به دلیل شرایط اردوگاهی و اوضاع اقتصادی که داشتند غالباً معتاد یا دزد بودند که شهید چمران نسبت به این موضوع بسیار منتقد بودند و اظهار کردند که این گروه دارای انگیزه‌های دینی نیستند و بر ناسیونالیسم عرب تکیه دارند.

■ امام موسی صدر علاقه خاصی به امام خمینی (ره) داشت. عمیقاً از مبارزان ایرانی در خارج از کشور که با رژیم مبارزه می‌کردند حمایت می‌کرد. ■ امام موسی صدر مورد توجه امام خمینی (ره) بود و امام علاقه ویژه‌ای به ایشان داشتند. امام موسی صدر به دلیل اینکه یک شخصیت سیاسی برجسته بود و بیشتر با مقامات لبنان و سایر کشورها ارتباط داشت عملاً کمتر با افراد عادی به معاشرت می‌پرداخت. به همین جهت امام خمینی (ره) به امام موسی توصیه کرده بودند که شما سعی کنید ارتباط خودتان را با مردم تقویت کنید. امام این جمله را هم اضافه کرده بودند که دکتر مصدب یا اینکه آخوند نبود اما به دلیل ارتباط نزدیک با مردم از محبوبیت برخوردار بودند اما

علی مطهری:

روحانیون حتی المقدور نباید پست اجرایی بگیرند مگر اضطراراً

روشی که آقای محسن رضایی شروع کرده است که به نوعی ورود در قانون‌گذاری و تبدیل مجمع به شورای نگهبان دوم یا مجلس سناست، مخالف باشد و از این نظر باعث اصلاح این موضوع شود.
معنی ندارد مجمع وارد روند قانون‌گذاری شود
آن دستورالعمل [دستورالعمل رهبری به مجمع چنین نتیجه‌ای ندارد. به نظرم اینها داشتند از فرصت استفاده می‌کردند. اصلاً معنی ندارد بگویم رهبری یک دستوری دهند و باعث شود مجمع وارد روند قانون‌گذاری در کشور شود. علاوه‌بر این آیین‌نامه داخلی مجمع تشخیص نمی‌تواند برای مجلس شورای اسلامی الزام‌آور باشد. آنچه تصویب شده مربوط به داخل خودشان است. اگر بخواهد به کار مجلس تسری پیدا کند، اصلاً معنی ندارد و خلاف قانون اساسی است. مقصود رهبری هم از تفویض نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، چنین چیزی نبوده که اینها در عمل داشتن پیاده می‌کردند. ان‌شاءالله که باید حل شود. مثلاً در آخرین اظهارنظر دبیر مجمع آمده بود که ماده یک لایحه اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی را خودمان اصلاح کردیم، یعنی مصوبه مجلس را خودمان تغییر دادیم؛ اما این اصلاً معنی ندارد و قابل‌قبول نیست. مجمع به هیچ‌وجه حق ندارد در مصوبه مجلس دخل و تصرف کند و آن را تغییر دهد. فقط می‌تواند بین نظر مجلس و شورای نگهبان داوری کرده و یکی را برگزیند. اینکه حتی بخواهد یک کلمه‌اش را هم تغییر دهد، چنین حقی ندارد. ما امیدواریم که این مشکل با آمدن آقای صادق لاریجانی حل شود.

نقش محسن رضایی در تحریف وظایف مجمع تشخیص

بالاخره ایشان دبیر مجمع بوده و در دوره‌ای که آقای شاهرودی بیمار بودند، بیشتر کارها دست ایشان بوده است. بالاخره مسئولیت کار بیشتر با ایشان است و برداشت غلطی از موضوع دارند و فکر کردند چون ناظر بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام هستند، باید اگر مصوبه‌ای از مجلس را منافی با یکی از این سیاست‌ها دیدند، خودشان بردارند و درست کنند؛ درحالی‌که اصلاً چنین چیزی نداریم. در این صورت مجلس اصلاً فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد و از حِزب انتفاع ساظم می‌شود. یعنی ما اینجا کلی رخصت می‌کشیم، مخالف و موافق و اظهارنظر داریم و رای می‌آورد و بعد که به مجمع می‌رود، دخیل‌وتصرف در آن انجام می‌دهند. پس از همان اول به مجمع برود. این امکان‌پذیر نیست؛ مگر اینکه قانون اساسی تغییر کند و مجمع تشخیص جایگاهی مثل مجلس سنا پیدا کند که بتوانند مصوبه مجلس را تغییر دهند ولی الان چنین کاری نمی‌توانند کنند.

مراجع تقلید بررسی کنند

یک جاهایی حتماً [ساختار قانون اساسی] باید تغییر بکند. از جمله در مسئله بررسی صلاحیت خبرگان رهبری که به نظر من باید بر عهده نمایندگان مراجع تقلید باشد و آنها تصویب کنند که چه کسی صلاحیت دارد و چه کسی ندارد؛ چه کسی فقیه شمرده می‌شود و چه کسی نمی‌شود. اینکه این بررسی صلاحیت باز به دست خود شورای نگهبان است، اشکالاتی را ایجاد می‌کند. بنابراین معتقدم یک جاهایی قانون باید اصلاح شود.

استقبال از بخش علی‌ مذاکرات شورای نگهبان و مجلس خبرگان

در مورد حقوق‌ها قانون داریم که دولت باید حقوق همه مقامات را روی سایت خود منعکس کند. یک مقدار هم دولت تعلل کرد ولی کم‌کم دارد این کار را انجام می‌دهد. ولی اینکه مذاکرات مجلس خبرگان یا شورای نگهبان هم مثل مجلس پخش شود، کار خوبی است. مردم نگاه فقها و حقوق‌دان‌ها را ببینند.



علی مطهری

همین‌طوری شد. یا در خطبه نماز جمعه سال ۸۸، راحل این بحران و فتنه را بیان کردند که راهکار درستی هم بود.

اگر به حرف‌های آیت‌الله هاشمی توجه می‌شد، داستان ۸۸ خیلی زودتر حل‌وفصل می‌شد

آقای هاشمی آن زمان تأکید کرد رفتار مطلوبی با منتقدان و معترضان صورت گیرد، بی‌جهت سخت‌گیری و خشونت نشود و...؛ اگر به این حرف‌ها گوش می‌دادند، به نظرم داستان سال ۸۸ خیلی زودتر حل‌وفصل می‌شد.

آیت‌الله هاشمی با احترام، نظراتش را حتی اگر مخالف نظر رهبری بود، بیان می‌کرد

ایشان در مقام ریاست مجمع می‌توانست خیلی مؤثر باشند. درعین‌حال حرف‌هایش را هم می‌زد؛ یعنی ابایی نداشت در جایی ممکن است نظری مخالف نظر رهبری داشته باشد و خیلی محترمانه بیان می‌کرد. ضمن حفظ احترام مقام رهبری، نظرات خودش را نیز بیان می‌کرد. خود این نقطه‌ای مثبت در ایشان است و نشان می‌دهد تصور درستی از اصل ولایت فقیه داشتند که ولایت فقیه به این معنی نیست که یک نفر فکر می‌کند

این دسته فکر می‌کند اگر کسی در موضوع نظر متفاوتی با ولی فقیه داشت، دیگر اصلاً از دین خارج شده و مستحق هرگونه حمله و توهینی هم هست که روش بسیار غلطی است. هرکسی می‌تواند نظر خودش را داشته باشد؛ حتی اگر نظرش مخالف نظر ولی فقیه باشد. آزاد است این را اعلام و بیان کند. خود رهبری نیز بر این موضوع دو، سه بار تأکید کرده‌اند. نباید نگاه بسته‌ای داشته باشیم و بخواهیم به بهانه التزام به ولایت فقیه، شخصیت‌های مختلف را تخریب کنیم. این روش خیلی بدی است که مردم باید به نگاه برخی شده است و هرکسی بخواهد نظر جدید و حرف نویی بزند، به‌سرعت سرکوب می‌شود؛ چون فکر می‌کنند مزاحمتی برای ولایت فقیه ایجاد می‌شود؛ درحالی‌که

این نگاه اصلاً نگاه اسلامی نیست. معتقدم این دسته از سیاسیون باید نگاهشان را به اصل ولایت فقیه اصلاح کنند.

آیت‌الله هاشمی در سال ۸۸ زودتر از همه اعلام خطر کرد

آقای هاشمی کسی بود که اعتدال و عقل‌گرایی را در سیاست ترویج کرد، پای این موضوع هم ایستاد و تسلیم فشارها نشد. این نقطه‌ای مثبت برای ایشان است؛ مثلاً نوع برخوردی که با حوادث سال ۸۸ داشت و پافشاری‌ای که در مواضع خودشان داشتند و حتی دیدید زودتر از همه اعلام خطر کرد. حتی نامه‌ای به رهبری نوشتند و تأکید کرد حمایت یک‌طرفه‌ای که در بخشی از حکومت برای احمدی‌نژاد ایجاد شده، در آینده خطراتی دارد و آن موقع هشدار دادند. اکثر مواردی هم که در آن نامه گفتند، بعدها تحقق پیدا کرد. ایشان حتی اظهار نگرانی کرد که بعدها خود این گروه در مقابل رهبری خواهند ایستاد و دیدید که در واقعیت هم

ادامه از صفحه ۴

سلامت در خانه به جای بیمارستان

پاسخ به همه نیازهای او را در بستر زندگی واقعی او و با مشارکت خود او سازماندهی کرده و همه انسان‌های مجزا را در قالب جمع‌گرایانه و در شبکه حمایتی برای راهی‌ا از تنهایی به هم متصل کند، در آستانه جهشی بزرگ قرار دارد. جامعه امروز ما و مجموعه‌های حرفه‌ای حوزه سلامت باید باور کنند که بخش سلامت نه در ایران و نه در هیچ کجای جهان به تنهایی قادر نیست امکان ایجاد سطح عالی از سلامت شامل تندرستی و روان درستی را برای مردم فراهم کند و چنین هدفی نیازمند عزم، آگاهی و همراهی ملی و در نگاهی بلندتر حتی فراملی در راستای کمک برای حفظ سلامت در جهان است. امروز سلامت کشورها به سلامت منطقه و سلامت مجموعه جهان بیشتر از گذشته وابسته است و ما به تعامل بیشتر با جهان و مشارکت و تأثیرگذاری در سیاست‌های جهانی سلامت حتی برای ارتقای سطح سلامت کشور خود نیاز خواهیم داشت. ما روزگاری نه‌چندان دور و در دهه اول انقلاب حرف‌های شنیدنی در حوزه سلامت برای دنیا داشتیم و جزء پیروشان خلاق این حوزه محسوب می‌شدیم و هنوز باز می‌توانیم با تدبیر و تدبیر و به‌دراگیری همه توان ملی نه‌فقط کشتی سلامت کشور را از این شرایط بحرانی عبور دهیم، بلکه خلافت‌های جدیدی را به دنیا معرفی کنیم؛ اگر خود را باور و از همه پتانسیل ملی خود استفاده کنیم. خود را آن‌گونه که هستیم ارزیابی کنیم و دنیا را آن‌گونه که هست و می‌رود، ببینیم و با آن در تعامل سازنده باشیم.

مطابق نکرش جدید سازمان جهانی بهداشت و ارائه‌شده در اعلامیه شانگهای ۲۰۱۶ (مدل توسعه‌یافته ابعاد ارتقای سلامت تا سال ۲۰۳۰) و توسعه‌یافته از منظر سطح پوشش در اعلامیه UCH آستانه ۲۰۱۸ (چارچوب سیاست پوشش همه‌گیر سلامت) ارائه خدمات سلامت و حفاظت‌های اقتصادی برای همه مردم جهان اعم از افراد و جمعیت‌ها در کنار تلاش برای ایجاد عدالت جذب و انسجام اجتماعی و توسعه پایدار در اولویت قرار گرفته است. مطابق این رویکرد توسعه‌یافته نسبت به باینه آلمانی ۱۹۷۸ دولت‌ها باید سیاست‌های عمومی قابل حصول و مکانیسم‌های روشن را به کار گیرند تا از سلامت عمومی حفاظت کرده و خوب‌زیستی (Wellbeing) اجتماعی را هدف قرار دهند. قوانین و مقررات حفظ ارتقای سلامت عمومی را تقویت کند و مالیات مناسبی را از کالاهای آسیب‌رسان به سلامت عمومی اخذ کرده و امکان سرمایه‌گذاری‌های جدید در موضوع سلامت و خوب‌زیستی را فراهم کنند. این رویکرد، توصیه در مدیریت فضای مصرف به سمت کالاهای سالم و حمایت از انتخاب کالاهای سالم حافظ سلامتی از طریق سیاست‌های قیمت‌گذاری و ارائه اطلاعات دقیق روی برچسب‌های کالاها از جمله مواد غذایی را دارد. این رویکرد بیش از گذشته به طب سنتی جوامع (طب مکمل) در چارچوب قوانین و مقررات بها می‌دهد و اما بیش از هر موضوعی، به نقش سواد سلامت در بین مردم ارزش می‌نهد و آن را عامل خودانگیزگی در حفظ سلامت فرد و خانواده و عامل و محرک شرکت در برنامه‌های بهداشت عمومی محله و جامعه می‌داند و در کنار آن، به ارتقای سواد تصمیم‌گیران و سرمایه‌گذاران در بخش سلامت برای ایفای نقش درست و اثربخش در هدایت تعیین‌کننده‌های اجتماعی سلامت توصیه می‌کند. این رویکرد توصیه اکید می‌کند که برای ارتقای سواد سلامت علاوه بر شروع در هر دوره آموزشی از تحصیلات دوره ابتدایی باید از اصلاح و ادغام در مواد درسی کودکان شروع کرد و در طول عمر افراد ادامه داد. در مجموع می‌توان این راهبرد را در راستای تقویت آگاهی و توانمندی شهروندان در کنترل و ارتقای سلامتی خود و کاستن از بار بیماری و ناتوانی جامعه با مشارکت فرد و اجتماع دانست. با همه این اوصاف، باید ادعان کرد که سیاست‌های سازمان جهانی بهداشت سطح میانگین برای کشورهای جهان را مطمح نظر قرار نمی‌دهد و ایران با توجه به منابع انسانی وسیع و تجربه سلامتی قابل اکید می‌تواند چشمی به سازمان جهانی بهداشت و چشمی به تجربیات کشورهای پیشرفته دارای نظام اجتماعی سلامت داشته باشد و تجربیات هر دو رویکرد را با تعقل و تدبیر و با توجه به منابع قابل استحصال و مطابق زیست‌بوم خود بومی کرده و توسعه دهد. اما در یک کلام باید باور کنیم که دوران ارائه خدمات سنی سلامتی با محوریت مراکز بیمارستانی و درمانی که خود یکی از عوامل تشدیدکننده عفونت‌های مقاوم به درمان و افزایش بار بیماری را با هزینه نظام سلامت هستند، سپری شده است و هر دو رویکرد غرب و شرق مدت‌ماست در حال جایگزینی استراتژی‌های حفاظت و حمایت و ارتقای سلامت عمومی و ارائه خدمات اجتماعی سلامت به شهروندان در خانه‌های خود و با توانمندسازی و مشارکت خود آنان و با محلات و شهرداری‌ها در کنار دیگر خدمات اجتماعی مورد نیاز انسان هستند. امید دارد سیاست‌گذاران حوزه سیاست‌های اجتماعی و بخش سلامت کشور در فرصت باقی‌مانده بتوانند با مطالعه، تفکر و مشاوره و با استفاده از خرد جمعی عاقلانه‌ترین و عالمانه‌ترین سیاست‌های قابل تطبیق با شرایط کشور برای توسعه نظام سلامت و ارتقای سلامت احاد جامعه ایران را برگزینند و با آموزش مداوم و ایجاد مشارکت عمومی و اسفامت ملی و ایجاد منابع پایدار و استفاده بهینه از آن به سمت ایجاد نظام سلامت اثربخش و توسعه‌یافته برای نسل امروز در جهان امروز و برای نسل آینده در جهان آینده در کشور حرکت کنند و البته توفیق از طرف خداوند است.

❖ **قسمت اول و دوم این یادداشت، در دو شماره گذشته (شرق) منتشر شد**

❖❖ **محقق ومدرس سیاست گذاری عمومی، سیاست‌های اجتماعی و سلامت**